

فشرده‌ای از گزارش ملتی در معرض خطر

در ماه اوت ۱۹۸۱، وزیر آموزش و پرورش ایالات متحده آمریکا کمیسونی را به نام «کمیسیون ملی برای اعتلای آموزش و پرورش» مأمور ساخت تا پس از تحقیقی همه جانبه و ارزیابی کیفیت برنامه‌های آموزش و پرورش گزارشی کامل به او و همچنین به ملت آمریکا بدهد. این کمیسیون، که با هدف اصلی توجه مخصوص و پرداختن به مسائل جوانان تشکیل گردید، بیشترین نیروی خود را بر روی برنامه‌های دبیرستانی متمرکز کرده است.

ملتی در معرض خطر

ملت ما با یک خطر جدی مواجه است. برای اولین بار، بازرگانی، صنعت، علوم، تکنولوژی پیشرفته و غیر قابل رقابت ما در جهان توسط رقاباتی سرسخت مورد تهدید قرار گرفته است. این گزارش که نتیجه هیجده ماه مطالعه و بررسی است، نشان می‌دهد که سعادت، امنیت، و حیثیت ما در معرض خطر قرار دارد.

زمانی ما می‌توانستیم به برنامه‌های اجرایی مدارس و کالج‌های خود، که نشانه کوشش یک ملت بود، افتخار کنیم، ولی امروز زیربنای آموزشی جامعه ما توسط یک موج متمایل به متوسط خواهی مورد تهدید قرار گرفته است.

خطر فقط این نیست که زاپنها اتومبیل‌هایی با کیفیت و بازدهی بهتر از اتومبیل‌های آمریکایی می‌سازند و یا اینکه یکبار دیگر محصولات آلمانی در جهان مقام بالایی را احراز کرده است، زیرا که این پیشرفتهای عظیم و چشمگیر ناشی از یک آموزش پیشرفته در سطح جهان است. دانش فراگیری، اطلاعات و مهارتها، مواد خام اقتصاد بین‌المللی است که امروزه در

جهان به صور مختلف از داروهای معجزه گر تا کودهای شیمیایی، جلوه گر شده است. اگر ما فقط به حفظ و توسعه رقابت اقتصادی موجود بپردازیم در واقع به حفظ بازار جهانی پرداخته ایم، در حالی که باید خودمان را در جریان تحول سیستمهای آموزشی قرار دهیم و فراموش نکنیم که سرمایه گذاری در این امر در عصر اطلاعاتی حاضر واجب و ضروری است.

نشانه های خطر

۱ - یک ارزیابی بین المللی در ده سال اخیر نشان میدهد که دانش آموزان امریکایی در مقایسه با دیگر کشورهای پیشرفته صنعتی مقام هفتم را داشته اند.

۲ - ۲۳ میلیون نفر از بزرگسالان امریکایی در یک آزمون ساده از عهده خواندن و نوشتن و درک مفاهیم بر نیامده اند.

۳ - در حدود ۱۳ درصد از هفده سالگان و ۴۰ درصد از جوانان امریکایی در عمل و بکارگیری مهارتها بیسوادند.

۴ - سواد عمومی دانش آموزان دبیرستان، طبق آزمونهای یکسان، به مراتب پایین تر از ۲۶ سال پیش است.

۵ - طبق آزمونهای انجام شده در دهه هفتاد، سطح معلومات دانش آموزان در درس علوم شدیداً پایین آمده و حجم تدریس ریاضیات در کالجها به یک چهارم حجم آن در سالهای قبل رسیده است.

۶ - موسسات اقتصادی و ارتش شکایت دارند که هر ساله باید میلیونها دلار صرف آموزش خواندن و نوشتن و حساب کارکنان خود نمایند و افراد جدیداً استخدام نیز حتی قادر به خواندن و نوشتن در حد کلاس نهم نیستند.

این کمبود، زمانی بیشتر به چشم می خورد که سطح بالاتری از معلومات به هنگام برخورد با مسائلی از قبیل استفاده از کامپیوتر، تکنولوژی لیزری، و Robot ها (دستگاههای جانشین فعالیت های انسان) مورد نیاز است.

گروه گروه از دانش آموزان دبیرستانی فارغ التحصیل می شوند بدون اینکه بتوانند به کالجها و دانشگاهها راه پیدا کرده یا جذب بازار کار شوند، زیرا مشاغل قدیمی کارآیی خود را از دست داده اند و مشاغل جدید نیز به کاردانی و تخصص بیشتری نیاز دارند.

اگر با دیدی مثبت نگاه کنیم، رهبران سیاسی و مسئولان امر کوششی همه جانبه در جهت شناخت مشکلات و یافتن راه حلها به عمل آورده اند، ولی کوششی سخت تر برای آموزش

ریاضی و علوم مورد نیاز است، چرا که مطالعه نشان داده است افت برنامه‌های آموزشی نتیجه نارساییهای مختلفی است که بر چهار عامل آموزشی، یعنی محتوای برنامه‌ها، معیارها و انتظارات، زمان بندی و کیفیت تدریس، اثر مستقیم داشته است. این عوامل بتفصیل در زیر بیان می‌شود:

الف) کمیسیون نمونه‌هایی از دروس دبیرستانی را، که برای دانش‌آموزان در برنامه درسی منظور شده، مورد بررسی قرار داده و این نتایج را به دست آورده است:

۱ - فقط ۳۱ درصد از دانش‌آموزان دبیرستان درس جبر را گذرانده‌اند و درس حساب را، که برای ۶۰ درصد از دانش‌آموزان برنامه‌ریزی شده، فقط ۶ درصد آنرا تمام کرده‌اند.

۲ - در بسیاری از کشورهای صنعتی، دوره‌های ریاضیات، بیولوژی، فیزیک، و شیمی از کلای ششم ابتدایی آغاز می‌شود و برای همه دانش‌آموزان اجباری است. وقت لازم برای این دروس ۳ برابر زمانی است که برای آنها در ایالات متحده امریکا منظور شده است.

۳ - تنها ۳۵ ایالت یک دوره یکساله ریاضی و ۳۶ ایالت یک دوره یکساله علوم را در برنامه‌های دروس اصلی گنجانده و آن را جزء شرایط اخذ دیپلم قرار داده‌اند.

۴ - یک پنجم از کالج‌های چهار ساله آمریکایی موظفند فارغ‌التحصیلان دبیرستانها را بدون توجه به واحدهای گذرانده و یا سطح نمرات آنها، بپذیرند.

به طور کلی، می‌توان گفت برنامه درسی دبیرستانها هدف اصلی و اساسی خود را گم کرده است. تعدد بیش از حد دروس اختیاری باعث شده که دروس آشنایی، کار در کافه‌تیریا، رانندگی، و واحدهای مشابه آن اشتباهاً به عنوان دروس عمومی پذیرفته شوند.

عوامل دیگری نیز موجب افت برنامه‌های آموزشی گشته‌اند که به اختصار به آنها اشاره می‌کنیم:

ب) داشتن انتظاراتی پایین و در حد متوسط از سطح معلومات، تواناییهای ذهنی و عملی، رفتارهای شخصی، تحرک و ابتکار عمل دانش‌آموزان.

ج) کم بودن زمان در نظر گرفته شده برای کارهای مدرسه و تکالیف منزل، عدم استفاده صحیح از وقت برای یادگیری هرچه بیشتر، و عدم علاقه به گذاشتن وقت بیشتر برای مطالعه.

د) انتخاب معلمان از میان دانشجویان ضعیف، زیرا به علت شرایط نامطلوب شغل معلمی این شغل در میان دانشجویان رتبه‌های بالا جاذبه‌ای ندارد.

ما توصیه می‌کنیم که:

الف) شرایط قبولی و فارغ‌التحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانها در سطح بالاتری تثبیت گردد. پنج رشته اصلی: انگلیسی ۴ سال، ریاضیات ۳ سال، علوم ۳ سال، علوم اجتماعی ۳ سال، علوم کامپیوتری نیم سال، همراه با ۲ سال زبان خارجی برای کلیه دانش‌آموزان دبیرستان پیشنهاد می‌شود.

ب) مدارس عالی، کالجها، و دانشگاهها باید دارای برنامه‌های استاندارد شده و جدیدتری باشند و شرایط پذیرش دانشجو را مشکلتر کنند. این امر باعث می‌شود که دانش‌آموزان کوشش بیشتری جهت کسب امتیازات بنمایند.

ج) زمان بیشتری به تدریس دروس اصلی اختصاص یابد. این امر ایجاب می‌کند که تعداد ساعات درس در روز و یا تعداد روزهای سال تحصیلی افزایش یابد.

د) معلمان آمادگی بیشتری کسب کنند و جاذبه شغل معلمی از طرق مختلف تامین گردد.

ه) کلیه شهروندان باید از مسئولان آموزشی بخواهند که در خصوص نحوه مدیریت برای تامین اصلاحات فوق مسئولیت بیشتری احساس نمایند و کسانی که عهده‌دار حمایت مالی مؤسسات آموزشی هستند، همکاری لازم را مبذول دارند.

کیفیت عالی آموزش و پرورش

کیفیت عالی آموزش تعابیر گوناگونی دارد. براساس آموزشهای فردی، تعریف آن آموزشی است متناسب با تواناییهای فردی تا آخرین حد ظرفیت هر فرد، براساس مدرسه و کالج، مدرسه یا کالژی که شرایط و اهدافی عالی برای همه دانش‌آموزان در نظر گیرد.

در دنیای رقابتها و شرایط جدید مشاغل - شرایطی بس پرمخاطره و فرصتهایی استثنایی برای آنان که توان پذیرش آن را دارند - اصلاحات آموزشی باید به منظور ایجاد «جامعه در حال یادگیری» صورت گیرد. جامعه‌ای که در آن تعلیم و تعلم به مدارس و مؤسسات آموزشی محدود نمی‌گردد.

در این تلاش همه جانبه، از میان همه ابزارها و وسایل، همکاری و حمایت عامه مردم مهمترین و قدرتمندترین آنهاست. مردم ما معتقدند که آموزش و پرورش پایه‌ای محکم برای آینده درخشان کشور و محرک اصلی سیر جامعه به سوی تعالی است.

آنچه که توصیه‌های ما را به مرحله عمل می‌رساند و موفقیت آن را تضمین می‌کند، تنها مدارس و کالجها نیستند، اعضای کادر آموزشی و اداری همراه با سیاستگذاران آموزش و پرورش و خود مردم نیز نقش مهمی در تحول این سیستم دارند. اما باید گفت که نقش اساسی و

مهم در این باره بر عهده خود دانش‌آموزان و اولیای آنان است.

آخرین سخن

این اولین بار نیست که یک کمیسیون مسئول تحقیق در زمینه آموزش و پرورش می‌شود. بسیاری از یافته‌های ما نیز تازه و جدید نیستند، ولی آنچه قابل توجه است این است که اقدامات گذشته و حال باید تا گرفتن نتیجه پیگیری شود.

کودکانی که امروز به دنیا می‌آیند انتظار دارند که در سال ۲۰۰۰ به دانشگاه راه پیدا کنند. ما گزارش خود را تنها به این کودکان اختصاص نمی‌دهیم، بلکه آنها که امروز در مدارس مشغول تحصیل اند نیز مورد نظرند. ما اعتقاد کامل داریم که حرکتی در جهت توصیه‌های پیشنهادی، فرزندان ما را به سوی زندگی بهتر در آمریکای قدرتمندتر رهنمون خواهد گشت. این آمریکای آنها و آمریکای همه ماست که اکنون در معرض خطر قرار گرفته و این ماییم که با بذل توجه می‌توانیم آن را از خطر نجات دهیم و یا تاوان و غرامت سهل‌انگاری خود را بپردازیم.



شعبه‌شناسی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی